

نقش مؤلفه‌های کالبدی- معنایی مکان‌های عمومی مجتمع‌های مسکونی در حضور پذیری سالمندان (مطالعه موردی: شهرک اکباتان)*

مهندس ندا منصور حسینی**، دکتر علی جوان فروزنده***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

چکیده

توجه به پاسخگویی محیط‌های کالبدی برای گروه‌های اجتماعی بهره‌بردار در محیط‌های روزمره انسانی از دغدغه‌های اصلی طراحان بوده است. علی‌رغم توجه معماران و برنامه‌ریزان در طراحی فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی، روش و معیار مشخصی در فرایند طراحی بر اساس حضور پذیری گروه‌های بهره‌بردار ارائه نشده است و نبود آن منجر به تعاریف عمدتاً شهودی توسط طراحان از حضور پذیری گروه‌های انسانی در مکان گردیده است. بر این اساس، مقاله بر مبنای مدل معنای محیطی باهدف تبیین نقش مؤلفه‌های کالبدی-معنایی در حضور پذیری گروه اجتماعی سالمندان به تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار می‌پردازد. روش تحقیق مقاله کیفی و بر اساس راهبرد تفسیری-تحلیلی و با ابزار مشاهده و مصاحبه (بسته و باز) و با تحلیل همبستگی^۱ داده‌ها است. نتایج نشان می‌دهد کیفیت‌های کالبدی و معنایی فضا در حضور پذیری گروه‌های سنی سالمندان مؤثر بوده و در میان مؤلفه‌های مذکور آسایش محیطی، ایمنی-امنیت فضایی از کیفیت‌های کالبدی و خوانایی از کیفیت‌های معنایی محیط بیشترین تأثیر را دارا است.

واژه‌های کلیدی

مکان عمومی، کالبد، معنای مکان، حضور پذیری، سالمندان

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری ندا منصور حسینی (واکاوی مفهوم قابلیت محیط، در شکل‌گیری معنای فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی (مورد مطالعاتی: فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی اکباتان)) با راهنمایی دکتر علی جوان فروزنده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل می‌باشد.
** دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
*** استادیار، گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: Alijavanforouzande@gmail.com

Email: aszarrabi@yahoo.com

***استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۱-۱- مقدمه

سالمندی یکی از مراحل زندگی انسان است، که به‌عنوان یک‌روند طبیعی گذر عمر مطرح می‌گردد. این روند که موجب دگرگونی‌هایی در توانایی‌های جسمی و نیازهای روحی-روانی انسان می‌شود که نیاز به توجهات خاص دارد (علی‌الحسابی و رفیعی، ۱۳۹۱، ۲۴۷).

از قرن ۱۸، به علت پیشرفت‌های صورت گرفته در علم و فناوری، بهبود در پزشکی و کیفیت خدمات بهداشتی، متوسط امید به زندگی و نسبت جمعیت سالمند به کل جمعیت افزایش یافته است (Turel et al., 2007, 2042). جمعیت سالمندان رو به رشد یک مسئله مهم نه تنها از لحاظ مالی بلکه اجتماعی نیز است (Ridzwan Othman & Fadzil, 2014, 320). بدین معنی که افزایش جمعیت سالمندان یک جامعه مستلزم افزایش امکانات رفاهی و اجتماعی و متناسب‌تر شدن محیط زندگی این قشر از جامعه با نیازهای آنهاست.

«یکی از معیارهای ارزیابی کیفی سنجش فضا، حضور گروه‌های اجتماعی ویژه است. سالمندان جزئی از این گروه‌ها هستند که با حضور خود می‌توانند موجب پایداری و سرزندگی فضاهای شهری و در نتیجه ارتقاء کیفیت آنها شوند» (علی‌الحسابی و رفیعی، ۱۳۹۱، ۲۴۸). ارتقاء کیفی این فضاها موجب ایجاد شهری سالم، پویا و سرزنده خواهد شد (مختاری، ۱۳۹۲). با افزایش روزافزون جمعیت سالمندان و کناره‌گیری آنان از جامعه، و «از سوی دیگر با تغییر دیدگاه، نسبت به مقوله‌ی عدالت اجتماعی در بهره‌مندی شهروندان از فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی، تلاش بر آن است که با استفاده از سیاست‌های برنامه‌ریزان و به‌واسطه‌ی کانسپت «طراحی همه‌شمول» گروه‌های به حاشیه رانده‌شده بار دیگر به صحنه اجتماع بازگشته، امکان حضور در مکان‌های عمومی و شرکت در فعالیت‌های جمعی را بیابند» (فنائی و ساسی، ۱۳۹۳، ۱).

«سالمندان به دلیل موقعیت سنی و اجتماعی و برخورداری از فراغت بیشتر و به‌خصوص لزوم فعالیت‌های جسمانی منظم و مداوم مانند پیاده‌روی، زمان بیشتری از اوقات خود را در فضاهای شهری سپری می‌کنند» (علی‌الحسابی و رفیعی، ۱۳۹۱، ۲۴۸). در این میان فضاهای عمومی^۲ در مجتمع‌های مسکونی «بخشی از محیط‌زیست ساخته‌شده است که باعث تسهیل ایجاد حس اجتماعی از طریق افزایش شانس برخورد بین همسایگان می‌شود» (Francis et al., 2012, 402). این فضاها برای سالمندان به‌منظور افزایش تعاملات اجتماعی^۳ و پیری فعال مهم هستند (young et al., 2016, 114).

اهمیت و ضرورت فضای باز عمومی^۴ در ارائه فضایی برای تعاملات اجتماعی، آرامش، ارتباط با طبیعت و ایجاد فرصت برای فعالیت‌های اوقات فراغت است (Abbasi et al., 2016, 194-195). از این‌رو بهبود این فضاها، استفاده تمام گروه‌های سنی، جنسی و مشاغل مختلف و ارتقاء کیفیت زندگی

استفاده‌کنندگان با تجهیز این مکان‌ها با عملکردهای متنوع و ساخت زندگی شهری جذاب و معنادار و ایجاد محیط‌های قابل زندگی را در پی دارد (Turel et al., 2007, 2035). سه عامل اصلی مؤثر در استفاده از فضاهای باز در ابعاد اجتماعی آن عبارت‌اند از: نیازهای استفاده‌کنندگان، ویژگی کیفیت‌های کالبدی و ساختار فضایی است. درک نیازهای استفاده‌کننده، اساس طراحی برای هر فضای باز مطلوب برای جذب مردم، تسهیل فعالیت‌های آنها و تشویق برای حضور بیشتر در هنگام انجام این فعالیت‌ها است (Francis, 2003). این کیفیت از مشخصه‌های کالبدی فضای باز، از دیدگاه مردم به‌عنوان جنبه‌ای مهم است که موجب بهبود رضایت و کیفیت زندگی می‌شود (Beck, 2009).

ضروری است محیط‌های زندگی، فضایی باقابلیت استفاده برای همه گروه‌های اجتماعی- فارغ از سن و جنس و معلولیت- باشد (Abbasi et al., 2016, 197). این فضاها در مجتمع‌های مسکونی، بایستی شرایطی را برای گروه‌های مختلف اجتماعی فراهم سازد تا علاوه بر رابطه‌های باواسطه، به‌طور بی‌واسطه نیز با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. از این‌رو توجه به نیازهای انسانی و الگوهای رفتاری سالمندان و گروه‌های سنی، جنسی و اجتماعی مختلف در طراحی مکان‌های عمومی، سرزندگی و ایجاد فرصت دیدار در این فضاها و انعطاف‌پذیری این فضاها جهت حضور و فعالیت تمام اقشار جامعه، از دغدغه‌های اصلی تصمیم‌گیران و مسائل کلان‌شهری و طراحان فضاهای عمومی شهری است (پور جعفر و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۳). مکان‌های عمومی به‌عنوان بخش‌هایی از محیط مصنوع، می‌توانند پاسخگوی نیازهای اساسی استفاده‌کنندگان خود باشند و با جلب شهروندان به خود سبب ایجاد تعلق خاطر و سرزندگی محیط شده و در خلق محیط مسکونی مطلوب نقشی مهم ایفا کنند. اما اغلب در طراحی و برنامه‌ریزی، صرفاً اجمالی بدون توجه به نیازهای استفاده‌کنندگان ساخته می‌شود که فضاهای عمومی آنها رضایت ساکنان را برآورده نساخته و برای آنها محیط‌های ناامن و ناخوشایند پدید آورده‌اند (ببیر و هیگینز، ۱۳۸۱، ۲۰۹). مناسب‌سازی مکان‌های عمومی در مجموعه‌های مسکونی، با توجه به نیازها و خواسته‌های سالمندان، نه تنها سبب ارتقاء کیفیت محیط مسکونی می‌شود، بلکه حس استقلال، کنترل زندگی و حس ارزشمند بودن را نیز به سالمندان بازمی‌گرداند. چنانچه فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی پاسخگوی نیازها و خواسته‌های فردی و اجتماعی ساکنان در سنین مختلف باشند، می‌توان بخشی از فعالیت‌های زندگی را از فضای داخلی به فضاهای باز مجتمع‌ها منتقل و کمبودهای زندگی در واحدهای مسکونی با مساحت کم را تا حدودی جبران نمود (عینی فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۹، ۳۶) و با توجه به آن، تجربه برخورد با دیگران، حس تعلق به جامعه، دیدارهای چهره به چهره، تعاملات اجتماعی و تجربه دیدن و دیده شدن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان به‌درستی اتفاق می‌افتد که از جمله نتایج آن، زنده‌بودن و استفاده فضاهای عمومی توسط مردم است (راست بین و

همکاران، ۱۳۹۱، ۳۶).

طراحی فضاهای خصوصی مناسب آنها، با استفاده از استانداردهای طراحی، تأکید می‌کند.

مطالعات نشان می‌دهد نیازهای سالمندان با توجه به جنسیت، وضعیت سلامتی، فرهنگ و اقلیم متفاوت است. اما به‌طور کلی نیازهای سالمندان را می‌توان شامل: احتیاجات عاطفی، احتیاجات معیشتی، احتیاج به تفریح، احتیاج به شرکت در مناسبات اجتماعی و نیاز به امنیت دانست (ضابطیان و تقوایی، ۱۳۸۸، ۶۲). با توجه به بررسی‌های انجام‌شده سالمندان وقتی در فضاهای عمومی حضور می‌یابند که مطمئن باشند فضا پاسخگوی نیازهای مختلف جسمی و روحی- روانی آنان است. تأمین ایمنی و امنیت سالمندان در محیط، ایجاد حس اعتمادبه‌نفس و استقلال در آنها از جمله مواردی است که می‌تواند باعث حضور سالمندان در این فضاها گردد (علی‌الحسابی و رفیعی، ۱۳۹۱، ۲۵۶).

با مقایسه پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص نیازهای سالمندان در محیط و با در نظر گرفتن مدل انگیزشی- ادراکی نیاز انسانی مازلو می‌توان نیازهای مدنظر سالمندان را در ۵ گروه الف) ابعاد فردی: جنس، سن و سلامت فردی (متغیر کنترل) ب) ابعاد اجتماعی: گروه‌های اجتماعی، تعلق و حضور پذیری (متغیر وابسته) ج) ابعاد کالبدی: کیفیت فضاهای انسانی (متغیر مستقل) د) ابعاد معنایی: خوانایی، تصور و تشخیص مکان (متغیر مستقل) ه) ابعاد فعالیتی: رویداد پذیری و چند عملکردی (متغیر مداخله‌گر) دسته‌بندی نمود.

علی‌رغم مطالعات متعدد در خصوص فضاهای عمومی و سالمندان، این مقاله با تأکید بر نقش کالبدی- معنایی عناصر فضاهای عمومی در نسبت با نیاز و معنای ادراکی سالمندان، به بررسی نقش ابعاد کالبدی فضاهای عمومی در شکل‌گیری نیازهای فردی و اجتماعی سالمندان می‌پردازد. پژوهش حاضر با تأکید بر تأثیر جنبه‌های کالبدی در شکل‌گیری فضای فردی و اجتماعی در محیط‌های انسانی به دنبال شناخت تأثیر مؤلفه‌های کالبدی در شکل‌گیری معنای مکانی موردنظر سالمندان است.

لذا سؤالات اصلی این پژوهش عبارت است از:

- عوامل کالبدی فضاهای باز در مجتمع‌های مسکونی چه تأثیری در حضور پذیری سالمندان دارا است؟

- چگونه مؤلفه‌های کالبدی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی- در سطح معنایی- در حضور پذیری سالمندان مؤثر است؟

فرضیه این پژوهش بر اساس سؤالات ارائه‌شده بر مبنای خلأ پژوهشی ادبیات نظری، عبارت است از:

- فرضیه اول: مؤلفه‌های کالبدی در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی نقش اساسی در حضور پذیری سالمندان دارا است.

- فرضیه دوم: مؤلفه‌های کالبدی فضاهای باز در ابعاد شناختی و تداعی معنایی در حضور پذیری سالمندان مؤثر است.

سالمندی و نیازهای انسانی

اصطلاحاتی مانند سالمند، سالخورده، مسن و کهن‌سالان و نظایر آن معمولاً در مورد کسانی به کار می‌رود که ۶۰ سال یا بیشتر از سن آنان گذشته باشد. احساس پیری یک مسئله‌ی درونی و روانی است و در افراد مختلف، متفاوت است. پیری جنبه‌ی اجتماعی، روانی، فیزیولوژیک، یاخته‌ای و مولکولی دارد و تسلط شخص بر همه‌ی آنها ممکن به نظر نمی‌رسد. گروه‌بندی سالمندان از نظر سن ۷۰-۵۵ سال (سالمند جوان)، ۸۰-۷۰ سال (سالمند میان‌سال) و ۸۰ سال و بالاتر (سالمند پیر) (Marcus & Francis, 1997, 173) می‌باشند. توجه به نیازهای انسانی از دغدغه‌های اصلی روان‌شناسان (لیتون^۵ و مازلو^۶) و معماران (ناگی و مطلبی) بوده است. در میان مدل‌های موردتوجه در فرآیند طراحی مدل انگیزشی- ادراکی به دلیل نقش درونی و غالب، مدل انگیزش بسیار موردتوجه قرار گرفته است (Motalebi, 1998). این مدل با تأکید بر جنبه‌های پویایی انگیزه بر ضرورت نگرش هدف محور در مکان تأکید می‌کند. لذا بر مبنای مدل فوق دودسته الف) نیازهای اولیه و ب) نیازهای عالی، مبنای پرداخت به نیازهای همه گروه‌های انسانی و به‌خصوص سالمندان می‌باشند. اما در رابطه با نیازها و الگوهای رفتاری سالمندان به‌منظور طراحی محیط زندگی نیز مطالعاتی انجام‌شده است، (رفیع زاده و همکاران، ۱۳۸۰؛ رفیع زاده، ۱۳۸۲) که در آنها با توصیف مشخصه‌های جسمی و روحی سالمندان به

مکان و مؤلفه‌های معنای محیطی

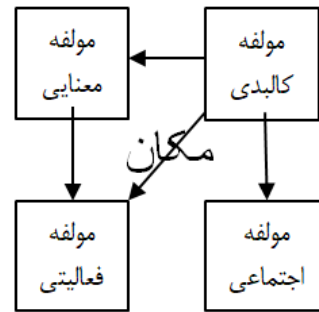
مکان و ابعاد مختلف آن در طول چندین دهه موردتوجه طراحان و پژوهشگران بوده است. این پژوهش‌ها در ابعاد مختلف تأکید بر جنبه‌های روزمره معنای محیط انسانی و پدیدارشناسی مکان (Seamon, 2012, 120) معنا دهی مکان (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱؛ Gustafson, 2001) ابعاد فرهنگی، فردی و گروهی مکان (Low & Altman, 1992, 168) احساس اجتماعی در بستر کالبدی (Stedman, 2003, 72) شناخت انسان در مکان (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰؛ Relph, 1976, 50) و همچنین مکان راه، بر مبنای نگرش انسانی (Canter, 1983؛ Canter & Walker, 1980) دسته‌بندی می‌کنند. با توجه به ابعاد انگیزشی- ادراکی انسانی یکی از مدل‌های مکان در نسبت با نیاز انسانی مدل کانتر از مکان است. مؤلفه‌های سه‌بخشی کالبد، فعالیت و معنا بر مبنای نگرش انسانی مدل کانتر مشابهت‌هایی با مدل‌های سه‌بخشی پونتو و گرین دارد (Punter, 1991؛ Gieryn, 2000). لذا در دسته‌بندی مکان در نسبت با مدل اجزاء مکان کانتر در نگرش انگیزشی- ادراکی، مؤلفه‌های تأثیرگذار مکان بر مبنای شکل ۱ ارائه می‌گردد

مکانها و ارتقای کیفیت محیط شهری میگردد توجه به نیازهای تمام گروه‌های استفاده‌کننده فارغ از سن، جنس و قومیت است (گل، ۱۳۸۹، ۶). از میان استفاده‌کنندگان از مکان‌های عمومی باید به گروه‌های آسیب‌پذیر توجه ویژه داشت. گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه به‌ویژه سالمندان دارای حقوق شهروندی در استفاده از عرصه‌های عمومی می‌باشند. و از آنجاکه همه‌شمول بودن این فضاها برای تمام گروه‌های سنی و اجتماعی، موجب ترغیب استفاده‌کنندگان برای حضور در این فضاها، نشانه مدنیت و ارتقای حس شهروندی است.

سالمندان با توجه به رویدادهایی همچون پایان دوران اشتغال و بازنشستگی، احساس تنهایی، طردشدگی و همچنین فشار ناشی از صنعتی شدن جوامع که به جدایی عاطفی و روانی افراد منجر میشود، در معرض خطرات فزاینده‌ای قرار دارند (مداح، ۱۳۸۸، ۵۹۸). بدین جهت کیفیت فضاهای عمومی و محله به‌ویژه واحدهای همسایگی تأثیر بسزایی در سلامت سالمندان دارد. این مکان‌ها فرصت‌هایی را جهت فعال بودن و ارتباط بیشتر با طبیعت برای آنها ایجاد می‌کنند. که درنهایت باعث افزایش احساس سعادت و رضایت روحی سالمندان و حس استقلال و آزادی و برقراری تعاملات اجتماعی آنها، به‌عنوان بخش محوری از کیفیت زندگی‌شان می‌گردد (ضابطیان و تقوایی، ۱۳۸۸، ۶۲).

فعالیت‌های سالمندان در مکان‌های عمومی مجتمع‌های مسکونی

یکی از عوامل تأثیرگذار در استفاده از مکان، فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان-مکان و انسان-انسان در آن مکان است (Low & Altman, 1992). به‌این ترتیب که «نوع فعالیت‌های مکان، سبب برآورده شدن نیازها و انتظارات فرد از مکان میگردد و مکان باید ظرفیت برآورده ساختن نیازها و انتظارات فرد از مکان را داشته باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۵۶). طراحی مناسب مکان‌های عمومی مستلزم شناخت نیازهای استفاده‌کنندگان و فعالیت‌هایی است که در آنها صورت میگیرد. فعالیت‌های اصلی در فضاهای عمومی خارجی را میتوان به سه گروه عمده شامل فعالیت‌های ضروری^۱، اختیاری^۲ و اجتماعی^۳ تقسیم کرد که هر یک به شرایط فیزیکی خاص نیاز دارند (گل، ۱۳۸۷، ۳). تحقیقات نشان میدهد فعالیت‌های اجتماعی در فضاهای انسان‌ساخت بیشترین تأثیر در شکل‌گیری روابط معنایی و محیط‌های باکیفیت را دارا می‌باشند (Javan Forouzandeh & Motalebi, 2012). ماهیت و چگونگی فعالیت‌هایی که در فضاهای عمومی در شهرها صورت میگیرد به دو عامل اساسی بستگی دارد: یکی عامل فرهنگی و دیگر عامل محیطی (کالبدی-فضایی). که میزان تأثیر این دو عامل بر نحوه وقوع فعالیت‌ها، یکسان نیست (نوذری و همکاران، ۱۳۸۷، ۴۳). در نواحی بی کیفیت شهری صرفاً می‌توان فعالیت‌های ضروری را یافت. در صورتی که در نواحی شهری باکیفیت، نه تنها فعالیت‌های ضروری



شکل ۱. مؤلفه‌های چهارگانه مکان (ترکیب مؤلفه‌های مکان کانتربا نگرش انگیزی-ادراکی)

مکان‌های عمومی، نیازهای سالمندی

فضاهای عمومی از دیرباز تاکنون بستر کالبدی تعاملات اجتماعی مردم بوده است. مکانی برای ارائه نقش و برای آزمودن واقعیت‌ها، کنکاشی در تفاوت‌ها و هویت، پهنه‌ای برای پذیرفته شدن توسط دیگران به‌طوری که تفاوت‌ها در این مکان به آگاهی بیشتر نسبت به خود و سایر افراد انجامیده و رابطه بین خاص و عام و شخصی و غیرشخصی را به بوته تجربه می‌سپارد (مدنی پور، ۱۳۹۱، ۲۶۶-۲۶۷). در واقع فضاهای عمومی مکانی است که در آن الزامات خصوصی و عمومی به وقوع می‌پیوندد (Turel et al., 2007, 2035). فضایی که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم‌اند و محلی برای تبادل افکار و اطلاعات و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی است (Hajer et al., 2001).

فضاهای عمومی، به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی نبوده و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا می‌یابد (کاشانی جو، ۱۳۸۹، ۹۶). این فضاها عرصه‌ای را برای رویدادها، فعالیت‌های اجتماعی و استراحت عرضه می‌کنند (گل، ۱۳۸۹، ۲۱). هرچند ویژگی‌های کمی و کیفی فضاهای عمومی طی زمان و در اثر عوامل گوناگون چندی تغییر کرده است، اما همواره شهروندان و سایر استفاده‌کنندگان از شهر به چنین فضاهایی نیازمند بوده‌اند (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۲، ۴). «فضاهای عمومی شهری میتواند، بسته به میزان همخوانی و هم‌نوایی کارکردی با اهداف مورد انتظار، مقیاس و حجم روابط، تطابق و تناسب با نیازهای روزمره گروه‌های اجتماعی و همخوانی باکلیت ساختار شهر، از مطلوبیت بالاتری برخوردار شوند. فضاهای شهری در عین دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت‌های شهری و ضرورت‌های مرتب بر آن نیز محسوب می‌گردند» (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷، ۳۸).

فضاهای عمومی شهری، مکان تعامل و رفتارهای شهروندی است و روح اجتماعی و احساس تجانس اجتماعی را در خود شکل می‌دهد (حبیب و همکاران، ۱۳۹۱، ۷-۶). فضاهای عمومی موفق، با حضور مردم، شخصیت می‌یابد (کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۹۵) و آنچه موجب سرزندگی این

دنبال آن برقراری تعاملات اجتماعی با دیگر گروه‌های سنی و اجتماعی است. این فعالیت‌ها را می‌توان با توجه به دسته‌بندی سه‌گانه یان گل (فعالیت‌های ضروری، اختیاری و اجتماعی) در محدوده یک مجتمع مسکونی حوزه‌بندی کرد (شکل ۲).

در این حوزه‌بندی، حوزه بلافصل و حوزه نفوذ شامل بخشی از فضای بلوک است که روابط اجتماعی در آن در قالب فعالیت‌های اجباری و در حین آمودشد روزانه به وقوع می‌پیوندد، حوزه مشترک یا عمومی نیز فضاهایی را در برمی‌گیرد که حضور و فعالیت در آنها به قابلیت آن فضاها در جذب افراد بستگی دارد و فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی می‌توانند در آنها واقع شوند (یزدانفر و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲). که این فضاها در عین عمومیت دارای حریم اختصاصی بوده و مسئولیت عامه کنترل از فضا را برای استفاده‌کنندگان از فضا به همراه دارد که این مسئولیت ارتباط مستقیمی با میزان مطلوبیت فضا از نظر کاربران دارد.

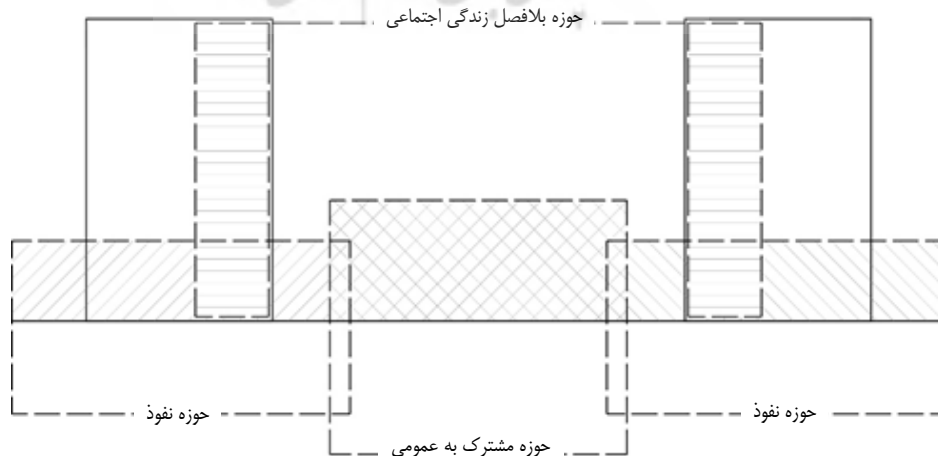
تبیین مؤلفه‌های معنایی محیطی مکان‌های عمومی برای سالمندان

برخی از پژوهشگران مشخصه‌های مناسب برای فضاهای عمومی و خصوصی را با توجه به نیازهای جسمی و روحی سالمندان عنوان نموده‌اند. (بهرزوفر، ۱۳۷۹؛ ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴) که در این پژوهش‌ها با توجه به شرایط و محدودیت‌های خاص دوران سالمندی، برای فضاهای مناسب سالمندان مشخصه‌های برشمردند. گروه دیگری از پژوهشگران به بازشناخت مشکلات و نیازهای سالمندان در فضاهای عمومی شهری پرداخته و با توجه به آنها پیشنهادانی در جهت بهبود کیفیت فضاهای عمومی ارائه نموده‌اند (Turel et al., 2007). برخی دیگر از مطالعات در راستای مناسب‌سازی فضاهای عمومی برای سالمندان و شناسایی انگاره‌های محیطی مؤثر بر ارزش‌گذاری فضاهای عمومی شهری صورت گرفته است، (پور جعفر

بلکه بسیاری از فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی موردعلاقه مردم نیز صورت می‌گیرد (گل، ۱۳۸۷، ۳). انجام این فعالیت‌ها و بسیاری خصوصیات فعالیتی و کالبدی دیگر به فضاهای عمومی تشخص بخشیده و بر تأمین آسایش و امکان لذت بردن مردم از حضور در فضا تاثیر گذارست (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۸، ۷۱).

سالمندان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که به دلیل شرایط سنی و کاهش فعالیت‌های کاری، از مکان‌های عمومی عمدتاً برای انجام فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی استفاده می‌کنند. فعالیت‌های اختیاری، فعالیت‌هایی هستند که در صورتی که زمان و مکان و بستر محیط اجازه دهد داوطلبانه صورت می‌گیرد (مانند قدم زدن برای استفاده از هوای پاک و غیره). فعالیت‌های اجتماعی فعالیت‌هایی هستند که به دفعات و به دنبال حضور مردم در یک مکان و در یک‌زمان صورت می‌گیرند (مانند گفتگو با بقیه و غیره) (Carmona et al., 2009, 215). «می‌توان ادعا کرد که فعالیت‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این فضاهاست که پاسخگوی یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان یعنی در کنار جمع بودن است که در عین حال خود زمینه‌ای برای پاسخگویی به نیازهای برتر انسان از جمله خویشتن‌یابی، احساس عزت‌نفس و حرمت ذات است که در نهایت شکوفایی و رشد او را به همراه دارد» (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۸، ۷۴).

با توجه به مطالعات انجام‌شده چهار گروه فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی، ورزشی و سلامتی (Wjayanti et al., 2012)، فعالیت‌هایی است که جهت بهبود بخشیدن به بهداشت روانی سالمندان میباید شرایط آن در مکان‌های عمومی وجود داشته باشد. با توجه به مطالعات این چهار گروه فعالیت مشتمل بر: دیدار، گفت‌وشنود، آمودشد، مراسم عمومی، ورزش و تفریح می‌باشند (یزدانفر و همکاران، ۱۳۹۲؛ نوذری و همکاران، ۱۳۸۷؛ کریمی و پورناصری، ۱۳۹۲). انجام این فعالیت‌ها در مکان‌های عمومی مجتمع‌های مسکونی در گرو مناسب‌سازی فضا برای جذب سالمندان و افزایش تمایل آنها به حضور و به



شکل ۲. حوزه‌بندی فضاهای عمومی یا جمعی در یک مجتمع مسکونی (مأخذ: یزدانفر و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۱)

محققین	شاخص‌های دخیل در حضور پذیری سالمندان
بهرزفر، ۱۳۷۹	تحریکات حسی، دسترسی، قابلیت ادراک، معنا، تطابق، فردیت بخشیدن، محرمیت، اجتماعی شدن و زیبایی‌شناسی
ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴	آموزش پذیری، تجمع پذیری، سهولت دسترسی، قابلیت پیاده‌روی و ورزش، همانندی سرای سالمندان به خانه
تورل و همکاران، ۲۰۰۷	آلودگی، امنیت، دسترسی پیاده‌روها و راه‌ها، نارسایی نگهداری و مدیریت، مشکلات ترافیکی و شلوغی شهرها و مشکلات فرهنگی - اجتماعی
نوذری و همکاران، ۱۳۸۳	تحریکات حسی ناشی از فضا، آسایش، دسترسی، قابلیت ادراک، امنیت، محرمیت، معنا، قلمرو، اجتماعی شدن و زیبایی‌شناسی
ضابطیان و تقوایی، ۱۳۸۸	آشنایی، خوانایی، قابل تشخیص بودن، در دسترس بودن، راحتی و امنیت
زندیه، ۱۳۹۱	کاربری اراضی، بافت شهری، دسترسی‌پذیری و منظر شهری
جوناس اندرسون، ۲۰۱۱	مناسب بودن فضا برای سالمندان، راحتی در دسترسی به اطراف یا پراکندگی، بافت اجتماعی، طبیعت، عوامل زیبایی شناسانه
پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۹ و باقری آزاد و همکاران، ۱۳۹۴	راه‌یابی و دسترسی، ایمنی و امنیت، آسایش، پویایی و جذابیت، هم‌آوایی با طبیعت، رمزگرایی و ابهام، هویت، آزادی، رویداد پذیری، بوم گرایی، وحدت، نظم و خاطره ذهنی
علی‌الحسابی و رفیعی، ۱۳۹۱	آلودگی، کمبود تسهیلات، دسترسی، میلان شهری نامناسب، کمبود فضای سبز
سلطان‌زاده و منصور حسینی، ۱۳۹۲	دسترسی و ارتباط، ایمنی و امنیت، آسایش، هم‌آوایی با طبیعت، خوانایی، اقلیم، تازگی و تجربه، نظم، وحدت، بوم‌گرایی، تنوع و پویایی، آزادی و انتخاب، رویداد پذیری، خاطره‌انگیزی و هویت قومی
Cooper & Francis, 1990	نشستن راحت، خرده اقلیم، حس جهت‌یابی، فرصت‌هایی برای تحریکات حسی، کنترل و نظارت بر محیط، راحتی و آسایش، امنیت و ایمنی، دسترسی راحت به فضاهای بیرون، فرصت‌هایی برای ملاقات دیگران و فعالیت‌های اجتماعی و فرصت‌هایی برای لذت بردن از طبیعت، شرکت در تمرین‌های ورزشی و فعالیت برای سلامتی

اهمیتانند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶، ۲۳). کیفیات طراحانه‌ای همچون: تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد، تناسب، انعطاف‌پذیری، فرم، هندسه، مصالح، محصوریت، بدنه‌ها، پیوستگی کالبدی و فضایی نیز می‌تواند در ادراک فضا به‌عنوان کل و در نتیجه تأثیر مطلوب بر ادراک انسان مؤثر باشند (پاکزاد، ۱۳۹۱).

در طراحی، هر یک از متغیرهای کالبدی رنگ، شکل، بافت، مقیاس و نوع ساماندهی بر اساس نیازهای انسانی و تأمین نوع فعالیت موردنظر در فضاها از اهمیت خاص برخوردار میشوند که بیانگر قابلیت محیطی^{۱۱} است که فرم عملکرد را شکوفا میکند (مطلبی، ۱۳۸۵). «بررسی‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص، در ایجاد حس مکان مؤثر است. تأمین فعالیت‌ها از فضا با رضایتمندی از ویژگی‌های متغیر محیط دما، صدا و امکان انجام فعالیت‌های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسب و فرم‌ها به وجود می‌آید» (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۳).

دسترسی^{۱۱}

دسترسی فضاهای عمومی به معنای پذیرا بودن حضور اجتماعی افراد در خود است (Carr, 1982, 158). قلمرو فضای عمومی باید برای همگان قابل دسترسی بصری و فیزیکی باشد. دسترسی بصری یعنی: افراد قبل از ورود به فضا بتوانند داخل آن را ببینند و در رابطه با احساس امنیت و میزان راحتی آن قضاوت کنند. و دسترسی کالبدی یعنی: فضا از لحاظ کالبدی قابل دسترسی است یا خیر (منصور حسینی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۲، ۵۸). در

و همکاران، ۱۳۸۹؛ باقری آزاد و همکاران، ۱۳۹۴؛ زندیه، ۱۳۹۱؛ Andersson, 2011) در پژوهشی دیگر مشخصه‌های محیطی فضاهای عمومی مناسب سالمندان (سلطان‌زاده و منصور حسینی، ۱۳۹۲) با تکیه بر تئوری مکان کانتر و مدل مازلو در چهار بعد کالبدی، بعد فعالیت، بعد اجتماعی و بعد معنایی تقسیم‌بندی شده است. با توجه به مطالعات انجام‌شده مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی مطلوب با توجه به نیازها و مشکلات سالمندان در این فضاها در جدول ۱ جمع‌آوری شده است. به‌منظور تدقیق مؤلفه‌های استنباطی بر مبنای جدول ۱، اقدام به انجام پیمایش میدانی باز به‌صورت کیفی در محیط گردید و پس از اخذ آمار اولیه و حذف موارد مشابه، مؤلفه‌های پنج‌گانه دسترسی، آسایش، ایمنی و امنیت، اقلیم و هم‌آوایی با طبیعت به‌عنوان اولویت‌های کالبدی و مؤلفه‌های سه‌گانه خوانایی، آشنایی و قابل تشخیص بودن به‌عنوان اولویت‌های معنایی انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل مؤلفه‌های مذکور با روش تفسیری - تحلیلی و ابزار مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه صورت گرفت.

مؤلفه‌های کالبدی

مؤلفه‌های کالبدی یک فضای عمومی با نحوه دسترسی، موقعیت، آسایش فیزیولوژیکی در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت، مرتبط است. علاوه بر اینها وجود عناصر طبیعی در فضاهای عمومی که سبب افزایش هیجان و سرزندگی محیط و دعوت مردم به این فضاها و فراهم نمودن امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می‌گردند نیز در این میان بسیار حائز

می‌گذارد و این حقیقتی است که نباید نادیده گرفته شود. میزان نفوذ آفتاب در فضای عمومی با اولویت‌بندی از این نظر که کجا باید نشست و کجا نباید نشست، ارتباط دارد. سطوح نورگیر و سایه‌دار می‌توانند به وسیله مشخصه‌های طراحی شهری در روش‌های مختلف بکار گرفته شوند، از قبیل اندازه فضای باز، تغییرات سطوح، مجتمع ساختمانی محصورکننده یک فضا، درختان یا سایر مشخصه‌های موجود در فضا (توماس، ۱۳۸۹، ۱۰۵). باد نیز به همان میزان نور آفتاب، عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای است، که برای کاهش تأثیرات ناخواسته‌ی آن باید تدابیری اندیشید. البته شایان ذکر است، از برخی جریان‌های هوا می‌توان به منظور خنک کردن فضا در فصول گرم سال استفاده نمود.

هم‌آوایی با طبیعت

فضاهای سبز نقش اساسی در افزایش سلامت انسان و کیفیت زندگی شهری ایفا می‌کنند (Kabisch & Haase, 2014) که می‌توان به نقش حسی این عرصه‌ها در ایجاد آرامش، تشویق افراد به خارج شدن از خانه، قدم زدن، فعالیت فیزیکی و رضایت‌مندی بصری و از همه مهم‌تر تشویق به تعاملات اجتماعی، اشاره نمود. در چنین فضاهایی امکان برقراری ارتباط دوستی بین افراد بیش از سایر فضاهاست (چرخچیان و دانش پور، ۱۳۸۸، ۶۸). این فضاها نه تنها برای استفاده‌کنندگان عرصه ایده آلی هستند، که در آنها می‌توانند اوقات فراغت، ارتباط و تعامل اجتماعی داشته باشند، بلکه کارکردهایی در ارتباط با سلامت انسان (Heyuan, 2016, 176)، از جمله سلامت فیزیکی، در امان بودن از شرایط جوی، آلودگی، سروصدا را فراهم می‌سازند (Givoni, 1991, 297).

افراد اغلب علاقه زیادی به استفاده از فضاهای باز موجود در مجتمع‌های مسکونی دارند (Hur et al, 2010) و از آنجاکه فضاهای سبز در مجتمع‌ها به منظور تأمین محدوده مشخصی از فعالیت‌ها در اوقات فراغت مانند بازی کودکان، ایجاد آرامش، برقراری روابط اجتماعی و ایجاد مناظر طبیعی زیبا طراحی می‌شوند (Morancho, 2003). از این رو «این فضاها می‌بایست در محلی بافاصله معقول قرار گیرند و خصوصاً دسترسی آنها باید راحت و ایمن» (امینی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲) برای تمام گروه‌های استفاده‌کننده به‌ویژه سالمندان باشد. لذت بردن از طبیعت و تماشای محیط‌های طبیعی، اهمیت زیادی در کمک به سرزندگی سالمند دارد. از یک طرف با امکان دسترسی بیشتر به فضاهای سبز به‌طور قابل‌توجهی میزان رضایت ساکنان (Wenjuan et al., 2015, 856) به‌ویژه سالمندان از مجتمع‌های مسکونی افزایش می‌یابد و از طرف دیگر وجود این فضاها، با کاهش آلودگی‌های صوتی و زیست‌محیطی، ایجاد چشم‌اندازهای طبیعی، استنشاق هوای تازه، امکان استفاده از نور خورشید، غذا دادن به پرندگان می‌توانند به عمیق‌تر شدن رابطه سالمندان با این فضاها کمک کنند (پور جعفر و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۱).

مؤلفه‌های معنایی

معنا بخشی به مکان برخاسته از نحوه تعاملات انسان و مکان در ابعاد تعامل

محیط طراحی‌شده، برخوردار بودن از قابلیت دسترسی، بر تمامی دیگر شاخص‌های محیطی پس از خود تأثیرگذار است. بدون دسترسی مناسب امکان ایجاد رابطه‌ای متقابل با محیط، از راه درک داده‌های محیطی حاصل از دسترسی به فضای عمومی، ممکن نخواهد بود (بهروز فر، ۱۳۷۹، ۸۵). این مؤلفه، «تضمین‌کننده امکان دسترسی گروه‌های مختلف فرهنگی-اجتماعی در بستری دموکراتیک است که در برخی موارد بیشتر جنبه روان‌شناختی دارد تا جنبه کالبدی» (چرخچیان و دانش پور، ۱۳۸۸، ۶۷).

آسایش

بارزترین مؤلفه محیطی برای سالمند، سطح آسایش است. آسایش کیفیتی نظری است که سهولت فیزیکی انجام وظایف و یا بودن در مکانی خاص را فراهم می‌سازد (بهروز فر، ۱۳۷۹، ۸۸). این مؤلفه شامل ادراک سالمند در مورد امنیت، پاکیزگی، نظافت و در دسترس بودن فضاهای عمومی است. تطابق فضاهای عمومی با نیازهای حسی و فیزیکی سالمندان، احساس آسایش آنان را به دنبال خواهد داشت. از این رو، توجه به طراحی مبلمان به‌گونه‌ای سازگار با شرایط سالمندی، نوع و رنگ کف‌سازی و شیب‌راه‌ها، طراحی فضاهای متنوع و کوچک برای جمع شدن و گپ زدن سالمندان، و ایجاد محوطه در مکان‌های عمومی که فرصت تنهایی و سکوت بعد از مصاحبت‌های طولانی و خسته‌کننده را در اختیار سالمند قرار دهد، بسیار مهم است (پور جعفر و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۰).

ایمنی و امنیت

ایمنی اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب، وقوع حوادث اجتناب‌ناپذیر است و خطرات به‌صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و کاربران را تهدید خواهد کرد. اما امنیت اشاره به جریان و رفتارهای انومیکی علیه اشخاص و اموال آنها دارد (صالحی، ۱۳۸۷، ۱۱۲). ایمنی بیشتر به آسایش کالبدی مانند نحوه تفکیک مسیرهای سواره و پیاده، شکل و فرم اجزاء، جنس مصالح و قابل‌استفاده بودن برای افراد مختلف در زمان‌های مختلف مربوط است. و امنیت به جنبه‌های روانی آسایش از قبیل قابلیت نظارت بر فضاها، کنترل عبور و مرور غریبه‌ها و امکان بروز جرم و بزه اشاره می‌کند (یزدانفر و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۶-۱۵). ایمنی و امنیت در تداوم حضور شهروندان و بقاء حیات جمعی در فضاهای عمومی بسیار مؤثر است. حضور فعال مردم در این فضاها از عوامل افزایش امنیت است. تسلط و دیدن فضا و دیده شدن توسط مردم موجب ایجاد حس ایمنی و کاهش جرم و جنایت می‌گردد (پاکزاد، ۱۳۹۱، ۲۸۷). امنیت فضاهای عمومی به‌وسیله ارزش‌هایی که استفاده‌کنندگان به آن بها می‌دهند، تأمین می‌شود. و در این میان نقش اصلی را فعالیت‌های درون فضا خواهد داشت. اختلاط کاربری‌ها و وجود مردم در درون این فضاها بر امنیت عرصه‌ها افزوده و آنها را به حد کمال مطلوب خود می‌رساند (پور دیهیمی، ۱۳۸۲، ۵۲-۵۱).

اقلیم

جریان و سیر فصل‌های سال بر محبوبیت و شهرت فضاهای عمومی، تأثیر

شناختی، عاطفی و رفتاری است (Proshansky et al., 1983). در واقع معنای یک محیط حاصل تعامل بین قابلیت محیط و نیازهای فردی و جمعی استفاده‌کنندگان آن است (Motalebi, 1998). معنا از فعالیت و کالبد ساخته‌شده‌ای که در مکان وجود دارد، نیز مشتق می‌شود (Montgomery, 1998). در واقع می‌توان گفت زمانی فضاهای عمومی از نظر مؤلفه‌های معنایی قابل استفاده است که مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و فعالیتی در آن‌ها برآورده گردد (چرخ‌چیان و دانش پور، ۱۳۸۸، ۷۶). بر اساس درک معنای محیط و روند شکل‌گیری آن و نیز مؤلفه‌های مؤثر بر آن می‌توان در خلق فضایی مطلوب (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۱) برای تمام گروه‌های سنی و اجتماعی که هدف اصلی معماری است تأثیرگذار بود.

خوانایی^{۱۴}

«خوانایی اصولاً به درجه درک از یک فضا و وضوح آن برمی‌گردد و اینکه فضای موردنظر از یک الگوی منسجم برخوردار باشد» (الیاس زاده مقدم و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۷). خوانایی جداره و حس بازنمایی و تداعی‌کنندگی آن بر اثر فرایند بازشناسی و احساس‌آشنایی با بخش‌های مختلف جداره حاصل می‌گردد (پور دیپیمی، ۱۳۸۲، ۵۱). از این رو شهروندان موقعی می‌توانند از کیفیات فضای شهری بهره‌گیرند که بتوانند سازمان فضایی مکان و آنچه در آنجا می‌گذرد را درک کنند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۸۳). در واقع خوانایی ساختارهای شهری نه تنها حاکی از یک حس جهت‌شناسی خوب است، بلکه توانایی درک نقش و اهمیت عملکردهای مختلف فضای عمومی نیز است (Wojciech Bonenberg, 2015, 1723). خوانایی فضایی در رابطه با فضاهای مناسب سالمندان به این مسئله مربوط است، که کدام ساختمان و نشانه به سالمند کمک می‌کند تا بفهمد کجا هست و تشخیص دهد از کدام راه باید برود که از طرف دیگر مبین مشخصه‌های شناخت ذهنی مکان است (Neisser, 2014). فضای خوانا، فضایی است که در آن، فرد سالمند برای گم نکردن راه، به هوشیاری کمتری نیازمند باشد و ترس کمتری از گم‌شدن داشته باشد. در این خصوص استفاده از نشانه‌ها برای سالمندان بسیار اهمیت دارد (زندیه، ۱۳۹۱، ۱۳).

آشنایی^{۱۵}

سالمندان و به‌ویژه کسانی که دارای زوال عقل هستند از مشکلات حافظه کوتاه‌مدت رنج می‌برند، لذا تکرار مناظر آشنا در شهر به آنها در مسیریابی کمک می‌کند. و هرگونه تغییر در محیط باعث از نظم خارج شدن آنها می‌گردد (ضابطیان و تقوایی، ۱۳۸۸، ۶۷). استفاده از عناصر آشنا در مکان‌های عمومی برای سالمندان و ترکیب سبک‌های مدرن و سنتی به طوری که برای آنها قابل درک باشد و تداعی‌کننده خاطره‌ای در ذهن آنان باشد، باعث افزایش خوانایی این فضاها برای حضور سالمندان می‌گردد.

قابل تشخیص بودن^{۱۶}

سالمندان با سبک‌های ساده و گویا ارتباط برقرار می‌کنند برای مثال ساختمان‌های مدرن که ممکن است ورودی و نمای واضح و آسانی نداشته

باشند برای آنها دشوار تلقی می‌گردد. و این ممکن است باعث شود که آنها به‌اشتباه وارد یک فضای خصوصی‌تر شوند و از این‌رو نسبت به استفاده از فضاهای عمومی بی‌میل گردند (ضابطیان و تقوایی، ۱۳۸۸، ۶۸).

مدل نظری مؤلفه‌های مکان‌های عمومی و روش انجام پژوهش

به‌منظور تبیین مؤلفه‌های کالبدی و معنایی مکان‌های عمومی مناسب برای حضور سالمندان ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، فعالیت‌هایی که می‌توانند منجر به حضور آنها در این فضاها شوند دسته‌بندی شد و سپس برای شناخت شاخص‌های کالبدی-معنایی که زمینه را برای فعالیت‌های مذکور فراهم می‌آورند، پس از بررسی مطالعات مشابه و استخراج مؤلفه‌ها یک مجتمع به‌عنوان نمونه، از طریق مشاهدات میدانی و طرح پرسشنامه و مصاحبه با سالمندان، مورد مطالعه قرار گرفت.

داده‌های به‌دست‌آمده از مطالعات انجام‌شده در شکل ۱۷ ارائه گردیده است. در این مدل مؤلفه‌های کالبدی و معنایی به‌عنوان عناصر اصلی مکانی در نظر گرفته شد، که این مؤلفه‌ها به‌عنوان متغیر مستقل میزان تأثیرگذاری آنها بر حضور پذیری سالمندان به‌عنوان متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار گرفته است. در مدل مذکور مؤلفه فعالیتی به‌عنوان متغیر مداخله‌گر و عوامل فردی (سن و سلامت فردی) به‌عنوان متغیر کنترل می‌باشند.

مورد مطالعاتی شهرک اکباتان است که از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرک‌های خاورمیانه است. این شهرک در غرب تهران منطقه ۵ قرار گرفته است. شهرک اکباتان از جمله اولین مجموعه‌های مسکونی است که باهدف انبوه‌سازی مسکن برای اقشار متوسط، متوسط به بالای جامعه در ۳ فاز ساخته شده است. نمونه مورد مطالعه مکان‌های عمومی فاز ۲ این شهرک است. این فاز با مساحتی حدود ۴۹۸۶۸۴ مترمربع و سطح اشغال تقریبی ۳۵ درصد شامل ۱۹ بلوک مسکونی، ۳ بازارچه و ۴ مدرسه است.

پس از تبیین مؤلفه‌های کالبدی و معنایی در گام بعدی، در پرسش‌نامه دیگری از سالمندان خواسته شد که مطابق طیف لیکرت^{۱۷}، ۸ مؤلفه کالبدی-معنایی و ۲۳ پارامتر تبیین‌کننده آنها را از رده خفیف بد تا خیلی خوب ارزش‌گذاری کنند. برای این منظور ۲۳ سؤال در قالب پرسش‌نامه‌ای در اختیار سالمندان ۶۰-۸۵ سال هم زن و هم مرد که دارای سلامت کامل مغزی بودند قرار گرفت. طیف مذکور در دسته‌های ۵ تایی از خیلی بد تا خیلی خوب ارزش‌گذاری شده، که در این حالت عرض فواصل برابر است با تفاضل سری تقسیم‌بر تعداد دسته‌ها که برای مقایسه میانگین ریاضی طیف لیکرت استفاده می‌گردد. عرض فواصل به‌صورت $4/5=0/8$ برای مقیاس لیکرت محاسبه شده است (Azemati et al., 2011, 54). روایی پرسشنامه با استفاده از روش اعتبار محتوا و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرون باخ سنجیده شد. آلفای کرون باخ برای کل سؤالات پرسش‌نامه، عدد $0/86$ به دست آمد. پرسش‌نامه‌ها توسط هر سالمند در لابی بلوک‌ها به‌صورت نشسته در مدت ۱۵ دقیقه پاسخ‌داده شده است.

نتایج حاصل با روش همبستگی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. حجم گروه نمونه شرکت‌کننده در این پژوهش در بخش پرسش‌نامه‌ی مقدماتی، ۳۵ نفر و در بخش پاسخگویی به پرسش‌نامه نهایی، ۷۸ نفر از جامعه آماری بوده است.



شکل ۴. مسیر سبز داخل بلوک‌ها برای پیاده‌روی سالمندان



شکل ۳. مسیر پیاده بین بلوک‌ها



شکل ۵. فضاهای دنج داخل بلوک‌ها برای نشستن سالمندان



شکل ۶. مناظر جذاب با فضای سبز و المان‌های معماری در محل تجمع سالمندان

جدول ۳. همبستگی بین مؤلفه‌های کالبدی- معنایی برای حضور سالمندان در مکان‌های عمومی

تغییرها	میانگین وزنی	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری (p)
دسترسی	۳/۷	۰/۶۳	۰/۳۳	۰/۰۰۲
آشنایی	۳/۶	۰/۵۸	۰/۲۳	۰/۰۴۳
خوانایی	۳/۷	۰/۶۴	۰/۳۶	۰/۰۰۱
قابل تشخیص بودن	۳/۶	۰/۷۸	۰/۳۲	۰/۰۰۴
ایمنی و امنیت	۳/۵	۰/۷۸	۰/۳۹	۰/۰۰۰
آسایش	۳/۷	۰/۷۳	۰/۴۰	۰/۰۰۳
اقلیم	۳/۸	۰/۶۵	۰/۲۲	۰/۰۴۸
هم‌آوایی با طبیعت	۳/۵	۰/۶۷	۰/۲۸	۰/۰۱
حضور سالمندان	۴/۲	۰/۸۸	-	-

۱-۱- نتیجه‌گیری

ایمنی-امنیت (ضرورت محدودیت کنترلی گروه‌های استفاده‌کننده در فضا و توجه به شباهت اجتماعی ساکنین در شهرک و نظارت فعال غیرمستقیم از طریق طراحی پنجره‌های مشرف به فضاهای باز و طراحی نور مناسب در شب و حذف کاربری‌های جاذب افراد غیر ساکن) بیشترین تأثیر و مؤلفه اقلیم کمترین تأثیرگذاری را در حضور پذیری سالمندان در مکان‌های عمومی مجتمع‌های مسکونی دارد. در میان مؤلفه‌های معنایی بررسی‌شده، مؤلفه‌ی خوانایی (طراحی کالبدی با توجه به ضرورت توجه به شناخت ساده و قابل‌تصور از مسیرهای دسترسی در طراحی فرم) بیشترین و مؤلفه‌ی آشنایی (تکرار مناظر و استفاده از عناصر آشنا) کمترین نقش را در شکل‌گیری معناداری مکان برای سالمندان ایفا می‌کنند. نتایج پژوهش می‌تواند راهگشای طراحان در طراحی فضاهای انسانی و باکیفیت محیطی واقع گردد.

۱-۲- پی‌نوشت‌ها

1. Correlation
2. Public spaces
۳. تعاملات اجتماعی، رابطه اجتماعی، رفتار اجتماعی، فعالیت جمعی Social interaction
۴. فضای باز مابین ساختمان‌های مسکونی که بستر پیوند ساکنان با طبیعت و محل گذران اوقات فراغت روزمره است (عینی فر، قاضی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۶).
5. Alexander Leighton
6. Abraham Maslow
7. Necessary activities
8. Optional activities
9. Social activities

نتایج پژوهش حاضر در چند بعد قابل‌ارائه است:

- بعد قیاسی: دستاوردهای پژوهش، نتایج حاصل از تحقیقات دیگر پژوهشگران اشاره‌شده در پژوهش، از جمله مدل سه‌گانه مکان (مؤلفه‌های کالبدی، فعالیتی و معنایی)، را تأیید می‌کند و همسو و هم‌راستا با ابعاد نظری پژوهش‌های مکان است. لذا براین اساس سه مؤلفه فرم (مؤلفه‌های کالبدی)، فعالیت و معنا اصلی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده مکان می‌باشند.

- تحلیل مدل پژوهشی: بر اساس مدل مکان مورد اشاره دربند الف، مؤلفه‌های کالبدی در درجه اول، موجب افزایش حضور پذیری سالمندان در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی می‌شوند. در این سطح، مؤلفه‌های کالبدی با تسهیل فعالیت‌های موردنیاز- با تأکید بر نیاز سالمندان بر فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی- به‌صورت باواسطه در شکل‌گیری حضور پذیری سالمندان مؤثر می‌باشند. لذا مؤلفه‌های کالبدی به‌واسطه فعالیت‌های انتخابی- اجتماعی در فضاهای باز، نقش اساسی در حضور پذیری سالمندان در این فضاها را دارا می‌باشند، که براین اساس فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد.

از طرف دیگر، سطح معنایی این مؤلفه‌ها نقش اساسی در شکل‌گیری این حضور پذیری را، دارا می‌باشند. براین اساس، متغیرهای مستقل پژوهش به ترتیب شامل ایمنی و امنیت، خوانایی و قابل‌تشخیص بودن بیشترین تأثیر معنایی را دارا بوده، و بر اساس ادبیات ارائه‌شده، جنبه‌های شناخت‌گرایی این سطح معنایی در تداعی برگه‌های باقابلیت یادآوری ذهنی منبعث از خاطره‌ها و نشانه‌شناسی کالبدی مؤثر است. این نتایج فرضیه دوم پژوهش را تأیید می‌نماید.

- ابعاد مؤلفه‌های کالبدی: در بین مؤلفه‌های کالبدی به ترتیب مؤلفه: - آسایش محیطی (ضرورت توجه به کیفیت‌های محیطی در ابعاد مصالح و نوع ساخت، و - پرهیز از استرس محیطی (نظیر صوت و تداخل سواره و پیاده)

۱۰. پیکره‌بندی کالبدی یک مکان رفتاری است که آن را برای فعالیت‌های خاصی قابل استفاده می‌سازد (لنگ، ۱۳۸۸، ۹۱).

11. Accessibility
12. Comfort
13. Safety and security
14. Legibility
15. Familiarity
16. Distinctiveness

۱۷. Likert

۱- فهرست مراجع

۱. امینی، صبا؛ حسینی، سید باقر؛ و نوروزیان ملکی، سعید. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی میزان رضایتمندی ساکنان بین دو نمونه از مجتمع‌های مسکونی میان مرتبه و بلندمرتبه، نمونه‌های موردی: مجتمع‌های مسکونی شهید محلاتی و سبحان. مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۱، ۱-۱۳.
۲. الیاس زاده مقدم، سید نصرالدین؛ و ضابطیان، الهام. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی (نمونه موردی: بخش مرکزی شهر تهران). نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۴۴، ۴۴-۵۶.
۳. باقری آزاد، ناصر؛ پور جعفر، محمدرضا؛ و تقوایی، علی اکبر. (۱۳۹۴). ارائه انگاره‌های محیطی مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی مشوق سالمندی موفق با تأکید بر ترجیحات سالمندان. کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی، آذر ۱۰، (ص ۱۴-۱). امارات: دبی.
۴. بهروز فر، فریبرز. (۱۳۷۹). شناخت مشخصات محیطی مناسب سالمندان. فصلنامه علمی پژوهشی صفا، ۳۱، ۸۹-۸۲.
۵. بیبر، آن آر؛ و هیگینز، کاترین. (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی محیطی برای توسعه زمین. (سید حسین بحرینی، کیوان کریمی، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۱). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران: انتشارات شهیدی.
۷. پور جعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی اکبر؛ بمانیان، محمدرضا؛ صادقی، علی‌رضا؛ و احمدی، فریال. (۱۳۸۹). ارائه انگاره‌های محیطی مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی مشوق سالمندی موفق با تأکید بر ترجیحات سالمندان شهر شیراز. مجله سالمندی، ۵(۱۵)، ۳۴-۲۲.
۸. پور دیهیمی، شهرام. (۱۳۸۲). فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی. فصلنامه علمی پژوهشی صفا، ۳۶، ۵۲-۳۷.
۹. توماس، درک. (۱۳۸۹). معماری و محیط شهری. (فرشته پاشایی کمالی و میترا هنرجو، مترجمان). اصفهان: نشر خاک.
۱۰. جوان فروزنده، علی؛ و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، مجله علمی-پژوهشی هویت شهر، ۸(۸)، ۲۷-۳۷.

۱۱. چرخچیان، مریم؛ و دانشپور، عبدالهادی. (۱۳۸۸). بررسی مؤلفه‌های طراحی فضاهای عمومی پاسخگو. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)، ۳۰، ۸۵-۳۵.
۱۲. حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ جهانشاهلو، لعلا؛ و فروزانگر، حمیده. (۱۳۹۱). سنجش چهارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهری با تأکید بر نقش فضاهای عمومی مطالعه موردی: شهر تهران. مجله علمی-پژوهشی هویت شهر، ۴(۱۲)، ۴-۵.
۱۳. حیدری، علی اکبر؛ یزدانفر، سید عباس؛ و بهدادفر، نازگل. (۱۳۹۲). ارائه مدلی برای تبیین پارامترهای تأثیرگذار در معنای مکان در محیط‌های آموزشی نمونه موردی: مقایسه معنای مکان در دانشکده معماری و غیر معماری. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۵، ۶۲-۴۹.
۱۴. دانشپور، سید عبدالهادی؛ و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. باغ نظر، ۷، ۲۸-۱۹.
۱۵. راست بین، ساجد؛ جعفری، یاسر؛ دارم، یاسمن؛ و معززی مهر تهران، امیرمحمد. (۱۳۹۱). رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی (نمونه موردی: جلفای اصفهان). باغ نظر، ۲۱، ۴۶-۳۵.
۱۶. رحمتی، اکبر؛ زارعی، ساسان؛ و محمدیان مصمم، حسن. (۱۳۹۲). بازآفرینی فضاهای عمومی، راهکاری در جهت تداوم هویت محلات شهری. همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی. محیط‌زیست پایدار. شهریور ۲۸، (ص ۱۴-۱). همدان: ایران.
۱۷. رفیع زاده، ندا؛ شعله، نوذری؛ و روشن‌بخش، حسین. (۱۳۸۰). رهنمودهای طراحی معماری خانه‌های سالمندان. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۱۸. رفیع زاده، ندا. (۱۳۸۲). طراحی معماری مناسب برای سالمندان. فصلنامه علمی پژوهشی صفا، ۳۷، ۱۱۷-۱۱۱.
۱۹. رفیعیان، محتبی؛ رضازاده، رضیه؛ سیفایی، مهسا؛ و احمدوند، یزدان. (۱۳۸۷). سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) (مورد پژوهی میدان نبوت تهران). فصلنامه نامه هنر، ۲، ۵۴-۳۷.
۲۰. زندیه، مهدی. (۱۳۹۱). مناسب‌سازی منظر شهری برای سالمندان نمونه موردی: محله قیطریه تهران. مجله سالمندی ایران، ۷(۲۵)، ۱۸-۷.
۲۱. سلطان‌زاده، حسین؛ و منصور حسینی، ندا. (۱۳۹۲). فضاهای عمومی شهری و مشخصه‌های محیطی مؤثر بر حیات جمعی سالمندان. اولین همایش منطقی‌های معماری و معماری پایدار شهرسازی ایذه (خشت اول). تیر ۱۴-۱۳، (ص ۱۱-۱). ایذه: ایران.
۲۲. صادقی فرشته، رؤیا؛ دانشگر مقدم، گلرخ؛ و دژدار، امید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان). نشریه مدیریت شهری، ۳۰، ۲۶۴-۲۵۳.
۲۳. صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۴. ضابطیان، الهام؛ و تقوایی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). فضاهای شهری دوستدار سالمندان با استفاده از رویکرد مشارکتی. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۱۲۸، ۶۰-۷۱.
۲۵. ضرغامی، اسماعیل؛ و شرقی، علی؛ و الفت، میلاد. (۱۳۹۴). ویژگی‌های محیطی مؤثر برافزایش کیفیت زندگی ساکنان خانه‌های سالمندان (نمونه موردی: خانه‌های سالمندان ناحیه شمیرانات در استان تهران). *دو فصلنامه معماری ایران*، ۷، ۱۲۶-۱۱۱.
۲۶. عینی فر، علیرضا؛ و قاضی‌زاده، سیده ندا. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی تهران با معیار فضای باز. *آرمان‌شهر*، ۵، ۳۵-۴۵.
۲۷. علی‌الحسابی، مهران؛ و رفیعی، فرخنده. (۱۳۹۱). ارزیابی نیازمندی‌های سالمندان در فضاهای شهری، مطالعه موردی: پارک خلد برین شیراز. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۹، ۲۵۷-۲۴۷.
۲۸. فالاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۶، ۵۷-۶۶.
۲۹. فائز، ساناز؛ و ساکی، الهه. (۱۳۹۳). راهکارهای ارتقاء نورپردازی عرصه‌های عمومی با تأکید بر سالمندان. *دومین همایش بین‌المللی روشنایی و نورپردازی ایران*، آبان ۲۸-۳۰، (ص ۱۲-۱). تهران: ایران.
۳۰. کارمونا، متیو؛ هیت، تیم؛ اک، تیم؛ و تیسدل، استیون. (۱۳۹۱). مکان‌های عمومی فضاهای شهری ابعاد گوناگون طراحی شهری. (فریبا قرائی؛ مهشید شکوهی؛ زهرا اهری و اسماعیل صالحی، مترجمان)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. کاشانی جو، خشایار. (۱۳۸۹). بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. *مجله علمی-پژوهشی هویت شهر*، ۴(۶)، ۹۵-۱۰۶.
۳۲. کریمی، مهسا؛ و پورناصری، شهناز. (۱۳۹۲). اهمیت و نقش فضاهای تفریحی و فراغتی در راستای ارتقای سلامت روان سالمندان مقیم خانه سالمندان (نمونه موردی اردبیل). *همایش ملی معماری و شهرسازی انسان‌گرا*، آذر ۹، (کتاب‌نامه الکترونیکی)، قزوین: ایران.
۳۳. کلانتری، حسین؛ و اخوت، هانیه. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی منظر شهری. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری.
۳۴. گل، یان. (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. (شیمیا شصتی، مترجم)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۵. گل، یان. (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و زندگی جمعی، آدلاید-۲۰۰۲. (علی غفاری و محمدصادق سهیلی پور، مترجمان)، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۶. لنگ، جان. (۱۳۸۸). آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. (علیرضا عینی فر، مترجم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۷. مداح، سید باقر. (۱۳۸۸). وضعیت فعالیت‌های اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در سالمندان ایران و سوئد. *مجله سالمند ایران*، ۳(۸)، ۵۹۷-۶۰۶.
۳۸. مدنی پور، علی. (۱۳۹۱). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. تهران: نشر سازمان فناوری و اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۳۹. مطلبی، قاسم. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. *نشریه هنرهای زیبا*، ۱۰، ۶۷-۵۲.
۴۰. مختاری، رؤیا. (۱۳۹۲). تأثیر کالبدی فضاهای شهری بر کیفیت زندگی شهری
- (مورد مطالعه: شهرک اکباتان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۴۱. مطلبی، قاسم. (۱۳۸۵). بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۵، ۶۴-۵۵.
۴۲. منصور حسینی، ندا؛ و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۲). بررسی مشخصه‌های محیطی مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: شهرک اکباتان). *مجله انگاره معمارانه*، ۱(۱)، ۶۰-۵۳.
۴۳. نوذری، شعله؛ رفیع‌زاده، ندا؛ و داعی‌نژاد، فرامرز. (۱۳۸۷). مبانی طراحی فضاهای باز محله‌های مسکونی متناسب با شرایط سالمندان. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۴۴. یزدانفر، سید عباس؛ حسینی، سید باقر؛ و زرودی، مصطفی. (۱۳۹۲). فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی؛ (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی کوثر و فاز دو مجتمع مسکونی اکباتان). *فصلنامه مدیریت شهری*، ۳۳، ۲۲-۷.
45. Abbasi, A., Alalouch, Ch., & Bramley, G. (2016). *Open space quality in deprived urban areas : user perspective and use pattern*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 216, 195-205.
46. Andersson, J. E. (2011). Architecture for the silver generation : Exploring the meaning of appropriate space for ageing in a Swedish municipality. *Health & Place* 17(2), 587-572
47. Azemati, H. R., Bagheri, M., Hosseini, S. B., & Norouzian Maleki, S. (2011). An Assessment of pedestrian network in Accesible Neighborhoods : Traditional Neighborhoods in Iran. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 21(1), 52-59.
48. Beck, H. (2009). Linking the quality of public spaces to quality of life. *Journal of Place Management and Development*, 2(3), 240-248.
49. Carr, S. (1982). *Some Criteria for Environmental form*. In S. Kaplan and R. Kaplan (Eds.) *Humanscape : environments for People*. (pp.156-160). USA: Ulrich's Books.
50. Canter, D. (1983). The purposive evaluation of places: a facet approach. *Environment and Behavior*, 15, 659-698.
51. Canter, D., & Walker, E. (1980). Environmental role and conceptions of housing. *Journal of Architectural Research*, 7, 30-35.
52. Carmona, M., Tiesdell, S., Heath, T., & Oc, T. (2009). *Public spaces, urban spaces The Dimensions of urban design*

- (F. Gharaee and others, Transl). Tehran : Art university. (Original work published 2003). London.
53. Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiaman, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental psychology*, 32, 401-409.
54. Francis, M. (2003). *Urban open space : designing for user needs*. London : Island Press.
55. Gieryn, T.F. (2000). *A Space For Place in Sciology*. Annual Review Sociology, 26, 463-496.
56. Givoni, B. (1991). *Impact of Planted Areas on Urban Environmental Quality: A Review. Atmospheric Environment*, 25(3), 289-299.
57. Gustafson, p. (2001). Meaning of place : every day experience and theoretical. *Journal of Environmental psychology*, 21(1), 5-16.
58. Hajer, M., & Reijndorp, A. (2001). *In Search of New Public Domain*. Rotterda : NAI Publishers.
59. Heyuan, Y. (2016). Characterizing the inequalities in urban public green space provision in Shenzhen, China. *Habitat International*, 56, 176-180.
60. Hur, M., Nasar, J. L., & Chun, B. (2010). Neighborhood Satisfaction, physical and Perceived Naturalness and openness. *Journal of Environmental psychology*, 30(1), 52-59.
61. Javan Forouzandeh, A., & Motalebi, G. (2012). The Role of Open Spaces in Neighborhood Attachment Case Study: Ekbatan Town in Tehran Metropolis. *International Journal Of Architecture and Urban Development*, 1(2), 11-20.
62. Kabisch, N., & Haase, D. (2014). Green justice or just green Provision of urban green spaces in Berlin. *Landscape and Urban Planning*, 170, 129-139.
63. Low, S. M., & Altman, I. (1992). *Place attachment : a conceptual inquiry*. New York: Plenum press.
64. Marcus, C. C., & Francis, C. (1997). *People places : design guideline for urban open space*. (2thed.). California : Berkeley.
65. Montgomery, J. (1998). Making a city Urbanity. *Vitality and Urban design*, 1, 93-115.
66. Morancho, A. B. (2003). A Headonic Valuation of Urban Green Areas. *Landscape and Urban Planning*, 68(1), 35-41.
67. Motalebi Esfidvajani, G. (1998). *A Theory of Meaning in Architecture and Urban Design : An Ecological Approach*. Unpublished doctoral dissertation, Faculty of the Built Environment, Sydney : The University of New South Wales.
68. Neisser, U. (2014). *Cognitive psychology: Classic edition*. Psychology Press.
69. Proshansky, H. M., Fabian A. K., & Kaminoff, R. (1983). Placeidentity: Physical World Socialization of the Self. *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
70. Punter, J. (1991). *Participation in the Design of Urban Space*. *Landscape Design*, 200, 24-27.
71. Ridzwan Othman, A., & Fadzil, F. (2014). Influence of Outdoor Space to the Elderly Wellbeing in a Typical Care Centre. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 170, 320-329.
72. Relph, e. (1976). *Place and placelessness*. London : pion Limited.
73. Stedman, R. C. (2003). *Sense of place and forest science: toward a program of quantitative research*. *Forset Science*, 49,1-8.
74. Seamon, D. (2012). *The Role of Place Identity in the Perception, Understanding, and Design of Built Environments*. Manhattan: Bentham science publishers.
75. Turel, H., Yigit, E., & Altug, I. (2007). Evaluation of elderly peopl,s requirements in public open spaces : A case study in Bornova District (Izmir, Turkey). *Building and Environment*, 42, 2035-2045.
76. Wenjuan, Z., Yang, J., Ma, L., & Huang, C. (2015). Factors affecting the use of urban spaces for physical activities : Views of young urban residents in beijing. *Urban Forestry & Urban Greening*, 14, 851-857.
77. Wijayanti, E. B., & Pandelaki, E. E. (2012). Places Where the Elderly Meet Friends at Banyumanik Public Housing, semarang, Indonesia. *Elsever*, 50, 405-417.
78. Wojciech, B. (2015). Public space in the residential areas: the method of social-spatial analysis. *Procedia Manufacturing*, 3, 1720-1727.
79. Young, E. H. K., Conejos, S. H., & Chan, E. H. W. (2016). Social needs of the elderly and active aging in public open spaces in urban renewal. *Cities*, 52, 114-122.

The Role of Physical-semantic Components of Residential Public Spaces in Accommodating the Elderly (Case Study: Ekbatan Residential Complex)

Neda Mansour Hosseini, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Ardabil University of Science and Research, Islamic Azad University, Ardebil, Iran.

*Ali Javan Foruzande**, Ph.D. Assistant Professor, Department of Architecture, Ardebil Branch, Islamic Azad University, Ardebil, Iran.

Abstract

The qualities of public spaces enhance their role in accommodating various social groups. Some of these spaces attract the public, while some other are more suitable for the exclusive use of specific social groups. An ideal public space is an area where citizenship rights are respected and is applicable to all age and social groups. These kind of spaces in residential complexes should provide a circumstance where not only indirect but also direct interactions can take place between various social groups. Importance of outdoor public spaces lies in providing a place for social interaction, comfort, connection with nature, and leisure activities. Therefore, enhancing these places leads to the presence of all age, gender and social groups and equipping these spaces with a variety of functions, building an attractive and meaningful urban life and creating livelier environments results in enhancing the quality of life for users of public spaces.

One of the key concerns of architectural designers has always been the attention that must be paid to the suitability of physical spaces, given the human needs and behavioral patterns of all gender, age and social groups as well as the flexibility for the presence and activity of these groups. Hence, despite various studies previously carried out on public spaces and the elderly, this paper addresses the role of physical dimensions of public spaces in shaping the individual and social needs of the elderly, emphasizing the role of the physical-semantic elements of public spaces in relation to the needs and perceptual meaning of the elderly. This study aims to recognize the influence of physical components that are shaping the meaning of place for the elderly; having in mind the roles that physical dimensions can play in forming individual and social spaces in human environments.

The method of this research is qualitative and based on Interpretative-Analytical Strategy, along with observation and interviewing tools (closed and open) and the correlation analysis of data.

The results show that the physical and semantic qualities of space have been effective in accommodating the older age groups; and of the above-mentioned components, environmental comfort (The need to pay attention to the environmental qualities in terms of material and the type of construction, and - to avoid environmental stress such as noise and interference of riders and pedestrians) and safety/space security (Necessity of controlling the groups in the space, attention to the social similarity of residents, active but indirect supervision through the design of windows overlooking the open spaces and proper lighting at night and removing applications which absorb non-residents) have the greatest effect and climate has the least effect on accommodating the elderly in public spaces of residential complexes.

Among the semantic components examined, the legibility component (Physical design considering the simple and feasible recognition of access paths) has the most and familiarity component (repeated landscape and use of familiar elements) has the least effect in shaping the meaning of place for the elderly. The results of this study should be used a guideline for architects to design high quality human environment spaces.

Keywords: Physical, Semantic, Activity, Public space, Accommodation, Elderly.

* Corresponding Author: Email: alijavanforuzande@gmail.com